

تحلیل سیاسی هفته (۶۳)  
تشدید بحران سیاسی در اوکراین و آینده‌ای مبهم

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۵۱۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

### مقدمه

با گسترش بحران سیاسی در اوکراین اپوزیسیون این کشور، بی‌اعتنا به طرح عفو عمومی، همچنان به اعتراضات خود ادامه می‌دهد. اعتراضاتی که اوکراین را دستخوش شدیدترین بحران از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱ کرده است. بحران از آبان‌ماه گذشته یعنی زمانی شروع شد که یانوکوویچ از امضای توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا خودداری کرد. میکولا آزاروف، نخست‌وزیر اوکراین در واکنش به اوج‌گیری بحران سیاسی کشورش، چندی پیش استعفای خود را به ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین تسلیم کرد. آزاروف عامل شدت عمل علیه معترضان اوکراین شناخته می‌شد. کمی پس از استعفای وی پارلمان اوکراین قانون محدود کردن حق تظاهرات را که دو هفته قبل تصویب کرده بود، به پیشنهاد یانوکوویچ پس گرفت و لغو کرد. این در حالی است که مخالفان دولت با وجود استعفای نخست‌وزیر، به سنگربندی جلوی وزارتخانه‌ها و اشغال دفاتر دولتی ادامه می‌دهند. مخالفان دولت اوکراین، عفو عمومی مشروط را نپذیرفته و به آن بی‌اعتنا مانده‌اند. این قانون که اخیراً در پارلمان اوکراین تصویب شد، از معترضان می‌خواهد که ظرف ۱۴ روز دست از تظاهرات و سنگربندی و اشغال دفاتر دولتی بردارند تا دولت در ازای آن، کلیه افراد دستگیر شده را آزاد کند. مخالفان دولت اما بر آزادی بدون قید و شرط همه دستگیرشدگان اصرار می‌ورزند.

جنبش اعتراضی اوکراین خواستار آن است که انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۵ در سال جاری برگزار شود و حال آنکه معترضان در خیابان‌ها خواستار استعفای فوری یانوکوویچ هستند. گروه مخالف در مورد احتمال وضع قانون وضعیت فوق‌العاده با مداخله نظامی هشدار داده‌اند، اما تحلیلگران این مسئله را بعید می‌دانند، زیرا نظامیان نگرانند که این اقدام، شهروندان بی‌طرف را با مخالفان همسو نماید.

### شکاف در اوکراین

۱. با وخامت روزافزون اوضاع اوکراین مسئله فروپاشی و تجزیه این کشور روز به روز افزایش می‌یابد. این مسئله به دلیل شکاف در مردم اوکراین به‌ویژه بین بخش شرقی و غربی آن است. اوکراین ۶۰۳ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۴۶ میلیون نفر جمعیت دارد. در شرق، شمار زیادی از روس‌تباران (حداقل ۱۷ درصد از جمعیت اوکراین) زندگی می‌کنند که دارای زبان و فرهنگ روسی بوده و گرایش آشکاری به روسیه دارند. در عین حال شرق اوکراین محل تجمع صنایع و تأسیسات کلیدی و نیز معادن این کشور بوده و به‌طور کلی دارای نقش کلیدی در اقتصاد اوکراین است. این در حالی است که غرب اوکراین (یک‌سوم غربی این کشور) اساساً غرب‌گرا بوده و فرهنگ غربی در آن نفوذ بیشتری دارد. آنها به‌دنبال همگرایی با اروپا هستند. این طیف از مردم می‌خواهند که کشورشان بخشی از غرب باشد حال آنکه کسانی که در شرق ساکن هستند خواستار آنند که به روس‌ها نزدیک باشند. از این‌رو به‌نظر می‌رسد در اوکراین شکاف منطقه‌ای منطبق با شکاف سیاسی است، مرکز کشور هم در این‌باره دچار اختلاف‌نظر است. تفاوت زبانی هم به این دسته‌بندی دامن می‌زند به‌طوری که کسانی که زبان‌شان اوکراینی است در غرب و روس‌زبانان در شرق زندگی می‌کنند، این مسئله در انتخابات سال ۲۰۱۰ نمود یافت. یانوکوویچ در شرق و تیموشنکو در غرب بیشترین رأی را به‌دست آوردند. این در حالی است که مشکلات اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر جناح طرفدار اروپا در اوکراین را از نزدیک کردن کی‌یف به این اتحادیه ناامید نکرده است. این جناح بدون شک خواستار آن است که اوکراین عضوی از

اتحادیه اروپا باشد و موضوعاتی چون بحران عظیم مالی و اقتصادی برخی از کشورهای اتحادیه اروپا مانند یونان و اسپانیا تأثیری در تصمیم‌شان ندارد.

۲. مردم ساکن در شهرهای صنعتی شرق اوکراین به نزدیکی هر چه بیشتر با روسیه گرایش دارند. آنها می‌دانند صنایع‌شان توان رقابت با اروپا را ندارد و در عین حال آگاهند که روسیه هر چه آنها تولید کنند را خریداری می‌کند. شهروندان شرقی بیم آن دارند که صنایع و کارخانه‌های اروپایی در غرب اوکراین شغلشان را از آنها بگیرند. در این منطقه نسبت به اتحاد شوروی یک نوستالژی وجود دارد، به دلیل اینکه مردم این منطقه خاطرات خوبی از دوران حکومت برخی زمامداران شوروی به‌ویژه برژنف دارند. در زمان شوروی، اقتصاد اوکراین دومین اقتصاد بزرگ اتحاد جماهیر شوروی بود و یک بخش صنعتی و زراعی مهم آن محسوب می‌شد. پس از فروپاشی شوروی، اقتصاد برنامه‌ای این کشور به سمت اقتصاد بازار آزاد تغییر جهت داد که روند این انتقال برای اکثریت جامعه که دچار فقر و کاهش درآمد و سطح زندگی شدند بسیار دشوار بود. لذا بسیاری از مردم اوکراین به‌ویژه در شرق این کشور خواهان نوعی بازگشت به اوضاع دوران شوروی بودند. نکته مهم اینکه در اوکراین نیز مانند بسیاری از کشورهای اروپایی درباره عضویت در اتحادیه اروپا نوعی نگرش طبقاتی وجود دارد. بخشی از طبقه نخبه سیاسی و اقتصادی خواهان این عضویت هستند اما طبقات پایین‌تر چنین تمایلی ندارند. این مسئله در انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ در اوکراین که غرب‌گرایان به رهبری ویکتور یوشچنکو و یولیا تیموشنکو توانستند ویکتور یانوکویچ شرق‌گرا را از صحنه برانند و اوکراین را در ۸ سال بعدی به‌سوی غرب سوق دهند، نمود یافت. هرچند که در انتخابات سال ۲۰۱۰ مجدداً شرق‌گرایان به رهبری ویکتور یانوکویچ پیروز شده و بار دیگر تمایل و رویکرد اوکراین به سمت روسیه تغییر جهت داد.

۳. به شکاف موجود در جامعه اوکراین باید حضور الیگارش‌ها (گروه نخبگان) را هم اضافه کرد. این گروه نه تنها موتور محرکه اقتصاد و جامعه اوکراین هستند، بلکه این کشور را به روسیه پیوند می‌دهند. در واقع آنها از طریق سازوکار پیچیده اقتصادی و سیاسی به الیگارش‌های روسیه وابسته هستند. در این زمینه حزب مناطق اوکراین که یانوکویچ رئیس‌جمهور فعلی رهبر آن است از احزابی تلقی می‌شود که وابستگی‌های زیادی به روسیه دارد. مخالفان، دولت اوکراین و به‌ویژه شخص یانوکویچ را متهم به دریافت امتیازات زیاد مالی از روسیه می‌کنند. با این حال نخبگان غرب‌گرا نیز از کمک‌ها و امتیازاتی که غربی‌ها به آنها ارائه می‌کنند برخوردار می‌شوند. نمونه آن وعده‌ای است که اتحادیه اروپا به مخالفان درباره ارائه کمک‌های مالی قابل توجه در صورت شکل‌گیری دولت موقت در اوکراین داده است.

## روسیه و اوکراین

۱. اوکراین از جهات مختلف به‌ویژه از نظر امنیت ملی برای روسیه اهمیت بسیار دارد. زیرا مهمترین کشور حوزه خارج نزدیک محسوب می‌شود و لذا پیوستن آن به سازمان ناتو و یا دیگر سازمان‌های غربی از دیدگاه مسکو غیرقابل پذیرش است. روسیه نمی‌خواهد اوکراین را از دست بدهد و در این راستا درصدد آن است که این کشور را در حوزه نفوذ خود بگنجانند. آنچه روس‌ها می‌خواهند اعمال حدی از کنترل و نفوذ بر اوکراین است تا تضمین شود که نیروهای خصم در این کشور به قدرت نرسند. روس‌ها می‌خواهند که به اوکراین درجه‌ای از استقلال بدهند و تمامیت ارضی‌اش را به رسمیت بشناسند، البته تا وقتی که این کشور تهدیدی برای مسکو نباشد و تا وقتی که خطوط لوله گازی که از اوکراین می‌گذرد تحت کنترل روسیه باشد. مقامات کرملین به دنبال این نیستند که کنترل اوکراین را به دست گیرند، اما نمی‌خواهند هیچ قدرت دیگری هم اوکراین را کنترل کند. در واقع وضعیت ژئوپولیتیکی، منابع، صنایع و کشاورزی و در یک کلام اهمیت زیاد اوکراین، باعث حساسیت زیاد مسکو به این کشور شده است. اگر اوکراین تحت کنترل یا نفوذ غرب اعم از اتحادیه اروپا و یا سازمان ناتو باشد، روسیه در مقابل گسترش نفوذ غرب با تهدیدات جدی مواجه می‌شود. از نگاه روس‌ها چنین حالتی منجر به نفوذ تدریجی غربی‌ها در اوکراین، به خطر افتادن بازار روسیه به دلیل ورود کالاهای غربی از طریق اوکراین و از همه مهمتر حضور خزنده نظامیان غربی در این کشور خواهد شد.

۲. برای قدرت‌های غربی اهمیت اوکراین در راستای محدودسازی (Containment) روسیه است. با اینکه ناتو به فکر رویارویی

نظامی با مسکو نیست، اما درصدد گسترش به شرق است، کمالینکه در دوره زمامداری یوشچنکو رئیس‌جمهور غرب‌گرای اوکراین تلاش زیادی کرد تا این کشور را به عضویت خود درآورد، اما این مسئله با مخالفت جدی و شدید روسیه مواجه شد. روسیه ملاحظه‌ای اساسی درباره اوکراین دارد، بدین معنی که این کشور هیچگاه نباید به عضویت هیچ سازمان نظامی غربی درآید و یا نیروهای نظامی هیچ پیمانی نباید در اوکراین حضور داشته باشند. بدین لحاظ تحولات اوکراین و آینده این کشور همواره برای مسکو از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اوکراین دسترسی روسیه به دریای سیاه و از آنجا به مدیترانه را میسر می‌سازد. بنادر اودسا و سواستوپول راه دسترسی نظامی و بازرگانی به‌ویژه از جنوب روسیه است. این مسیر همچنین مسیر خط لوله مهمی برای انتقال انرژی به اروپاست که به‌مثابه نیاز بازرگانی و استراتژیک برای مسکو است زیرا انرژی، عامل مهمی برای نفوذ و کنترل دیگر کشورها از جمله اوکراین محسوب می‌شود.

## حمایت غرب از مخالفان

۱. به‌نظر می‌رسد که غربی‌ها و به‌ویژه اتحادیه اروپا درباره ادامه حمایت از مخالفان اوکراین کاملاً جدی هستند. همین مسئله باعث شده تا رهبران مخالفان که اکنون دو نفر از آنها یعنی آرسنی یاتسنیوک و ویتالی کلیچو در رأس اعتراضات قرار دارند، با جرئت بیشتری به تلاش خود برای سرنگونی ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین ادامه دهند. کمالینکه رهبران مخالفان، جمعه ۱۱ بهمن‌ماه در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با فرانک والتر اشتان‌مایر وزیر امور خارجه آلمان و کاترین اشتون رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و از آنها خواستند در مقابله با ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین به گروه‌های مخالف کمک کنند. آنها درخواست کردند در زمینه‌های چگونگی حل بحران اوکراین و نحوه تحقیق در خصوص مقابله نیروهای دولتی با تظاهرکنندگان و شکنجه، سرکوب و کشته شدن معترضین، گروه‌های مخالف دولت را حمایت کنند. همچنین کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد به‌منظور بازدید دیگری از اوکراین عازم این کشور می‌شود. گفتنی است اشتون به‌منظور گفتگو با مخالفان و همچنین رئیس‌جمهور اوکراین، تاکنون چند نوبت به کی‌یف سفر کرده است.

۲. هدف غرب از حمایت از مخالفان این است که بتواند اوضاع را در اوکراین به‌نفع خود تغییر دهد. غربی‌ها اوکراین را به‌مثابه آوردگاهی تلقی می‌کنند که صحنه رقابت شدید و گسترده روسیه و غرب (اتحادیه اروپا) است. به این لحاظ آنها از ابزارها و اهرم‌هایی که در اختیار دارند برای کسب برتری در این میدان استفاده می‌کنند. یکی از ابزارهای غرب، حضور فیزیکی در میان مخالفان اوکراینی با هدف تشویق آنها به ادامه اعتراضات بوده است. در این راستا از هنگام آغاز اعتراضات، مقامات ارشد غربی زیادی در کی‌یف پایتخت اوکراین حاضر شده‌اند. از جمله آنها می‌توان به گیدو وستروله وزیر خارجه قبلی آلمان، کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و همچنین ویکتوریا نولاند معاون وزارت خارجه آمریکا اشاره کرد. در وهله بعد غربی‌ها کمک‌های مالی، غذایی و پشتیبانی گسترده‌ای از مخالفان اوکراینی داشته‌اند. هدف غرب در درجه اول وادار کردن دولت کنونی اوکراین به امضای توافقنامه همگرایی تجاری با اتحادیه اروپا و به سخن دیگر وارد کردن اوکراین در مدار نفوذ خود است. اما هدف دوم غربی‌ها، تغییر حکومت در اوکراین و روی‌کار آمدن یک دولت غرب‌گرا در این کشور است.

۳. غربی‌ها به موازات تشدید بحران سیاسی در اوکراین و گسترش ناآرامی‌های آن از کی‌یف به دیگر شهرها و مناطق این جمهوری شوروی سابق بر دامنه مداخلات و تهدیدهای خود علیه ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهوری این کشور افزوده‌اند. مداخله در امور داخلی اوکراین با حمایت گسترده اتحادیه اروپا و آمریکا صورت گرفته و در این راستا برخی اقدامات آمریکا از جمله تهدید به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه کی‌یف علاوه‌بر تقویت مخالفان اوکراینی، دولتمردان این کشور را در برخورد با مخالفان خشونت‌گرا و برهم‌زننده نظم عمومی در موضع انفعال قرار داده است. به عقیده برخی تحلیلگران مداخله آشکار غرب در امور داخلی اوکراین - به‌عنوان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور اسلاو جهان بعد از روسیه و از متحدان راهبردی روس‌ها - در اصل ریشه در اختلافات روسیه و غرب دارد و آمریکا و متحدانش با تلاش برای تضعیف دولت روس‌گرای اوکراین به دنبال کاهش نفوذ مسکو و در مقابل افزایش نفوذ و کنترل خود بر اوکراین است. تحلیلگران مسائل سیاسی با اشاره به افزایش تنش‌ها بین روسیه و غرب بعد از سر کار آمدن مجدد پوتین در انتخابات ریاست‌جمهوری در مارس ۲۰۱۲ و تشدید مقابله با

توسعه‌طلبی غربی‌ها در سیاست خارجی روسیه، از ایستادگی مسکو بر مواضع اصولی خود در قبال تحولات جاری سوریه و نارضایتی آمریکا و متحدان غربی‌اش از این وضعیت به‌عنوان یکی از دلایل تلاش برای دامن زدن به ناآرامی‌های اوکراین از سوی غرب یاد می‌کنند.

۴. روسیه از استقرار سپر موشکی در اروپا و گسترش نفوذ غرب به مرزهای خود به‌شدت نگران است و می‌کوشد با تشکیل اتحادیه اوراسیا و بازسازی روابط خود با جمهوری‌های سابق شوروی به مقابله با غرب بپردازد و قدرت ازدست‌رفته خود را بازیابد و در این میان اوکراین نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اتحادیه اوراسیا، اتحادیه‌ای است که براساس ایده روسیه در قالب ایجاد اتحادیه گمرکی بین روسیه، قزاقستان و بلاروس در سال ۲۰۰۷ بنیان گذاشته شد و در سال ۲۰۰۹ این سه کشور درخصوص ایجاد منطقه گمرکی مشترک به توافق دست یافتند. پوتین امیدوار است فعالیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا تا سال ۲۰۱۵ با عضویت دیگر کشورهای همسود از جمله اوکراین به‌صورت گسترده آغاز شود. هرچند به گفته پوتین، اتحادیه اوراسیا با هدف همکاری‌های نزدیک سیاسی و اقتصادی بین اعضا و تعامل با کشورهای اتحادیه اروپا تشکیل شده است، اما غرب، این اتحادیه با محوریت روسیه را با هدف ایجاد نقشی برتر برای مسکو ارزیابی کرده و با عضویت کشورهایی مانند اوکراین در آن مخالفت می‌ورزد.

### جمع‌بندی

۱. برخی تحلیلگران اعتراضات گسترده چند ماه اخیر را نشانه خستگی بخشی از مردم این کشور از اوضاع نامساعد اقتصادی، رویکرد روس‌گرایانه دولت اوکراین و نبود چشم‌اندازی برای همگرایی اوکراین با غرب در قالب نزدیکی با اتحادیه اروپا می‌دانند. در نتیجه می‌توان گفت هدف مخالفان دور کردن اوکراین از متحد قدیمی‌اش یعنی روسیه و در مقابل شروع روند نزدیکی با اتحادیه اروپا و در نهایت رسیدن به استانداردهای زندگی غربی است. با این همه ادامه اعتراضات به سبک کنونی ظاهراً باعث شده تا اوکراین روز به روز بیشتر در گرداب هرج و مرج، ناآرامی و بی‌ثباتی و تزلزل اقتصادی فرو رود.

۲. ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین که شاید گمان نمی‌کرد تصمیم وی برای تعویق امضای توافقنامه با اتحادیه اروپا، چنین تبعاتی داشته باشد، تلاش کرده است با امتیاز دادن به مخالفان از تکرار انقلاب رنگی مشابه انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ در اوکراین جلوگیری کند. با این همه به نظر می‌رسد این امتیازات، دست‌کم تاکنون، مخالفان وی را به پایان اعتراضات خیابانی ترغیب نکرده است. باید دید آیا ادامه ناآرامی‌ها در اوکراین می‌تواند یانوکوویچ را به دادن امتیازات بیشتری مانند آزادی یولیا تیموشنکو رهبر مخالفان دولت اوکراین یا امضای توافقنامه همگرایی با اتحادیه اروپا و یا حتی کناره‌گیری از قدرت مجبور کند؟ به‌نظر می‌رسد که دولت اوکراین پس از یک دوره مقاومت در مقابل مخالفان اکنون به‌اصطلاح صحنه را واگذار کرده و هر روز امتیازات جدیدی به مخالفان می‌دهد. اما این رویکرد نه تنها باعث آرام‌تر شدن معترضان نشده، بلکه صرفاً آنها را جری‌تر کرده و موجب ارائه درخواست‌های رادیکال‌تری از سوی آنها شده است. در واقع سطح خواسته مخالفان از تقاضای امضای یک توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا که یک موضوع سیاسی عادی بود اکنون به درخواست‌های بنیادی یعنی استعفای رئیس‌جمهور اوکراین، تغییر دولت، تغییر مفاد قانون اساسی، برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست‌جمهوری و در یک کلام یک تحول بنیادی در صحنه سیاسی و به‌تبع آن اقتصادی اوکراین تغییر کرده است. با ادامه روند کنونی احتمال زیادی دارد که رئیس‌جمهور و دولت اوکراین در آینده نه‌چندان دور تسلیم خواسته‌های مخالفان شده و از قدرت کناره‌گیری کنند.

۳. در صورت وقوع چنین رویدادهایی می‌توان انتظار داشت که غرب به‌ویژه اتحادیه اروپا با تشکیل دولت موقت اوکراین، که به احتمال زیاد توسط رهبران مخالفان تشکیل خواهد شد، فوراً کمک‌های مالی قابل توجهی را برای تحکیم موقعیت دولت جدید اختصاص دهد. با این حال روسیه نیز در مقابل به خطر افتادن منافع‌اش ساکت نخواهد نشست و اقدامات همه‌جانبه‌ای برای تضعیف حاکمیت غرب‌گرایان و اختلال جدی در امور اوکراین انجام خواهد داد. هدف روسیه این خواهد بود تا ضمن وادار کردن اوکراین به چرخش در مدار نفوذ روسیه از نزدیکی این کشور به غرب و به‌ویژه اتحادیه اروپا جلوگیری کند.